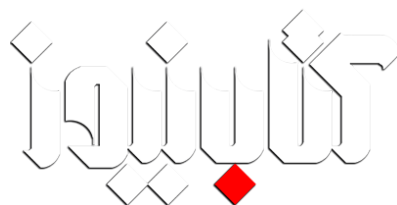




رمان خارجی داستان کوتاه تاریخ دین و فلسفه اقتصاد روانشناسی شعر کودک و نوجوان طرح جلد فیلم طنز ریشه‌ها

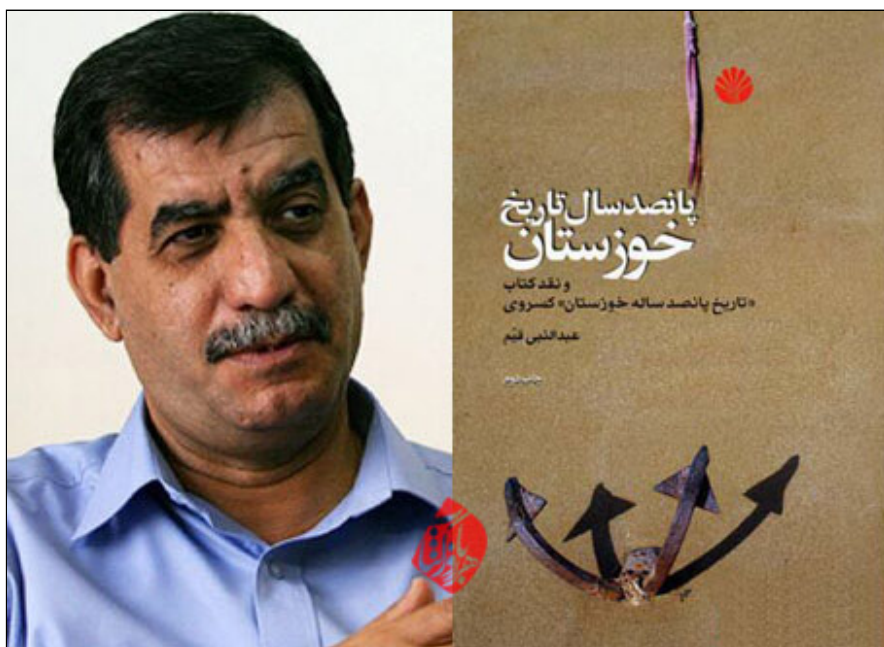
پس از کتاب



نگاهی به پانصد سال تاریخ خوزستان | جواد لگزian

۱۱ مهر ۱۴۰۳

بنابر سنگ‌نوشته داریوش بزرگ، در دوران هخامنشی خوجیا (Khavjiaa) یا به پارسی باستان خستره پاو) نام استان خوزستان بوده است؛ سرزمینی دوست‌داشتنی و زیبا که از دیرزمان تاکنون دیاری ایرانی با فرهنگی پویا و شکوفا است. نگارش کتاب «پانصد سال تاریخ خوزستان» علاوه بر نقد و بررسی کتاب «تاریخ پانصدساله خوزستان» کسروی، پژوهشی در باب پانصد سال تاریخ مردم عرب خوزستان است که به قلم محقق‌پیشرو گردآوری شده است. **عبداللهی قیم** در این کتاب کوشیده است تاریخ را از ناسیونالیسم بی‌منطق‌رهایی بخشد و با نگاهی همه‌جانبه و با روایتی بی‌نظیر، زیبا و باانصاف از اتحاد و یگانگی همه ایرانیان سرزمین خوزستان بگوید.



این کتاب تاریخی در پنج فصل تنظیم شده است که فصل نخست آن به نگاهی به کتابهای تالیف‌شده درباره تاریخ خوزستان اختصاص دارد. دومین فصل به آشنایی با احمد کسروی و به بررسی نظرات او پرداخته است. در فصل سوم مشعشعیان و تشکیل اولین حکومت شیعی توسط سیدمحمد بن فلاح مشعشعی در سال ۸۴۵ هجری قمری مطالعه شده است و در چهارمین فصل اندیشه‌های سیدمحمد بن فلاح مورد پژوهش قرار دارد. پنجمین فصل کتاب از بنی کعب و چهره شاخص آن سلمان بنی کعب سخن گفته است. ششمین فصل کتاب سراغ آلبوکاسب، و افراد شاخصی چون حاج جابرخان و دولت خواهی او و شیخ مزعل و روابط او با حکومت مرکزی و انگلیسی‌ها می‌رود. در آخرین فصل کتاب نیز نقد تاریخ پانصدساله خوزستان کسروی را خواهیم خواند.

از نکات مهمی که قیم به آن پرداخته است توجه به زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تحلیل هر پدیده تاریخی است به طوری که برای مثال به دقت شرایط بروز جنبش مشعشعیان و دلایل خاص موضع‌گیری‌های رادیکال مذهبی از جانب آنان یا استفاده شبه‌ناک آنان از علوم غریبه با توجه به زمینه‌های اجتماعی آن بررسی می‌شود تا توهّمات خوشایند ذهن تاریخ پنداشته نشود و دروغ به جای حقیقت بر سریر ننشیند. با همین رویکرد است که تئوری توطئه و دشنام‌گویی در روایت عبدالنبی قیم راه ندارد و به جای پیشداوری‌های رنگارنگ مستقیماً با تاریخ روبه‌رو می‌شویم.

انصاف را هم باید گام مهم دیگری در تاریخ‌نگاری قیم دانست که برای مثال در بررسی قوانین تنبیهی مشعشعیان این قوانین را هم در بستر خود مطالعه می‌کند یعنی در جامعه فقیر، عقب‌مانده و خشن سده‌های هشتم و نهم تا از شعارهای مرسوم ذهن‌های ایدئولوژی‌زده در امان باشد.

رعایت شأن پیشکسوتی کسروی و در نظر داشتن این احتمال که شاید او به بعضی مدارک دسترسی نداشته است، جلوه‌ای ناب از رعایت اخلاق در نقدنویسی قیم است که کیمیای زمان و زمانه ماست. قیم بر این نکته تأکید می‌کند که بدون شک تالیف کتاب تاریخ پانصدساله خوزستان در ۸۰ سال پیش، در آن اوضاع و احوال و کمبود منابع و مآخذ، اقدام قابل تحسین و درخور توجهی بوده است؛ به ویژه اینکه احمد کسروی برای اولین بار مبادرت به چنین کاری کرده و پیش از او به زبان فارسی پژوهشی یا وقایع‌نگاری در این خصوص صورت نگرفته بود.

از دید قیم با وجود خدمت کسروی به تاریخ و فرهنگ مردم عرب خوزستان، از آنجا که ایشان از سردمداران گفتمان ناسیونالیستی آغاز قرن بود و به دلیل گرایش‌های عرب‌ستیز، اظهارنظرها و دیدگاه‌های او در خصوص تاریخ مردم عرب خوزستان در اکثر موارد جانبدارانه و مغرضانه بوده و گاهی اوقات و به ویژه در مبحث مشعشعیان، اظهارنظرهای مزبور با کین و نفرت توأم شده است. دیدگاه‌ها و اظهارنظرهایی که گاهی با توهین و دشنام و به کار بردن الفاظ و عبارات ناشایست همراه بوده و باعث کاهش ارزش و تنزل شأن کتاب شده است. قیم همچنین خاطرنشان می‌کند دیدگاه‌های خاص احمد کسروی نسبت به تشیع نیز سبب شده کین و نفرت او نسبت به مشعشعیان به عنوان موسسان و پایه‌گذاران اولین حکومت شیعی تاریخ دوچندان شود. به همین دلیل کسروی راست و ناراست را به هم می‌دوزد و به ناحق سیدمحمد بن فلاح بنیانگذار حکومت مشعشعیان را مدعی «مهدویت» دانسته و آنچنان در ذم و شتم آل مشعشع پیش می‌رود که حتی دستورالعمل‌ها و قوانین وضع شده توسط ابن فلاح به منظور سلامت جامعه مشعشعی را تحت عنوان «کشتارهای سیدمحمد» به خوانندگان عرضه می‌کند.

قیم معتقد است کسروی هر آنچه خود در کتب و مقالات دیگر درباره خصال تاریخ‌نگار گفته، در کتاب تاریخ پانصدساله خوزستان آنها را رعایت نکرده و دقیقاً خلاف نوشته‌های خویش عمل کرده است و عدم رعایت امانت در نقل و روایت نوشته‌های دیگران و بیان چیزهایی از خود به عنوان مکتوب سایرین مانند نقل نوشته‌های نیبور درباره بنی کعب یا نقل نوشته‌های قاضی نورالله درباره اعتقادات سیدعلی و سیدایوب فرزندان سلطان محسن مشعشعی، برداشتهای کاملاً سوء و استنباط غلط از نوشته‌های دیگران مانند انتساب پاره‌یی نابکاری‌ها به سید بدران البته در خوشبینانه‌ترین حالت و اگر مبنا را بر صداقت کسروی بگذاریم، اهمیت ندادن و نپرداختن به موضوعات بسیار مهم در تاریخ خوزستان مانند روابط مشعشعیان و بنی کعب با قدرتهای مسلط آن روزگار و همسایگان آنها و به ویژه عدم ذکر جنگ بنی کعب با انگلیسی‌ها، و به عوض آن پرداختن به موضوعاتی که با تاریخ خوزستان ارتباط چندانی ندارد، مانند رفتار والی حویزه در زمان حمله افغان، برخورد گزینشی با منابع و مآخذ و انتخاب کتب موافق طبع و ایده خویش و نادیده گرفتن سایر منابع معتبر و شاهدان عینی در داستان والی حویزه، غارتگر و راهزن نشان دادن مردم عرب خوزستان و به کار بردن متوالی این عبارات در سرتاسر کتاب، نبش قبر درباره هفت یا هشت نسل بنی کعب و انتساب غلط آنها به بنی خفاجه، مطلق‌انگاری و عمومیت بخشیدن به برخی خصلتهای گروهی از بنی خفاجه و دروغ نوشتن در این باره، کتمان حقایق و عدم ذکر مأموریت خویش به خوزستان، مشارکت فعال در منازعه و کشمکش رضاخان و شیخ خزعل و تاثیرگذاری آن بر اظهار نظر کسروی، روابط نزدیک او با دربار و ملاقاتهایش با رضاخان به همراه درک سطحی او از «تاریخ تحلیلی» و عدم توجه به اوضاع و احوال تاریخی وقوع حوادث و ارزیابی حوادث قرون گذشته بر مبنای اوضاع و احوال قرن بیستم و همچنین روش غیرآکادمیک در استفاده از منابع و مآخذ و عدم ذکر مشخصات کامل کتاب یا صفحه مورد استناد، اظهار نظرهای قاطع ایشان بدون ارائه دلیل و مدرک و بدون استدلال، گویی کلام کسروی بر همگان حجت است، بی توجهی یا به تعبیری عدم درک روابط ظالم و مظلوم و عصیان طبقات ستمدیده علیه ستمگران به ویژه در مبحث سیدمحمد بن فلاح، درک نژادی او از مقوله ایران و ایرانی و مآلاً غییرایرانی خواندن عربهای خوزستان، تناقض‌گویی‌های آشکار به همراه اشتباهات فاحش در نوشتار که ناشی از بی‌دقتی و عدم مراجعه به نوشته‌های قبلی است، همه و همه نتیجه و برآیند کار کسروی در کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان است.

از نگاه قیم در طول کتاب تاریخ پانصدساله خوزستان فقط چند صفحه مربوط به شیخ سلمان بنی کعب است که کسروی تا حدود بسیار زیادی منصفانه و خالی از تعصب نژادی به شرح وقایع و اظهارنظر درباره آن رویدادها پرداخته؛ آنجایی که

خردمندی و حسن سیاست و علاقه شیخ سلمان به عمران و آبادی را ستوده و شکستن سد سابله توسط کریم خان زند را سیاه‌کاری او می‌داند. هر چند در مبحث شیخ سلمان نیز رگه‌هایی از ناسیونالیسم و اظهارنظرهای مغرضانه کسروی به وضوح قابل رویت است. با این همه قیم می‌گوید، بدون شک اگر کسروی خود را از قید اندیشه‌های ناسیونالیسم افراطی رهایی بخشیده بود و اگر با نگاهی غیرخصمانه به مردم عرب می‌نگریست، به رغم درک ابتدایی و سطحی‌اش از «تاریخ تحلیلی»، اثری ماندگار از خود به میراث می‌گذاشت.

پانصد سال تاریخ خوزستان (و نقد کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان تألیف احمد کسروی) نوشته عبدالنبی قیم در ۵۱۲ صفحه توسط انتشارات اختران منتشر شده است. کتابی برای مطالعه پانصد سال تاریخ خوزستان و یادگیری روایت تاریخ با انصاف و بی‌دشنام.

..... • تجربه‌ی زندگی دوباره •

معرفی و نقد کتاب | تاریخ و سیاست |

از گلابدره تا هنگ کنگ | گفت‌وگو
و اما غول مدفون | سهیل سمی
پیرامون قرآن‌های عصر اموی | میثم صادقی
حفظ نظام با هر وسیله؟ | محمد مطهری
یادداشتی بر گفتن در عین نگفتن | رضا علیپور
نگاهی به زندگی امیل زولا در هالیوود | نیره رحمانی
نگاهی به اعترافات یک قاتل | یاسمن انصاری
ترجمه‌ای از نقد هنر: شناخت هنر معاصر
مروری بر خلاف زمان گارو چو | رضا صائمی
چاپ ۲۱ از یادداشت‌های اسدالله علم
و اما وقتی موسی کشته شد | سعیده امین‌زاده
تاریخ انقلاب از زبان فرزندان انقلاب | سهند ستاری
گزیده‌ی کتاب‌شناسی تاریخ تشیع
نقد و نظری بر مرداد دیوانه | شراره شریعت‌زاده
درباره ملکه الیزابت: زندگی یک پادشاه مدرن | سالی بیدل اسمیت
پدران و پسران | ایوان تورگنیف
رابینسون کروزوئه در شمس آباد | امیر جلالی
درباره معالی آلمدیا، مرد چینی و شیهان کاروناتیلکا
نگاهی به حدوث نقطه‌ها | شبنم کهن‌چی
گزارشی از نشست نقد ترجمه عهد عتیق
نگاهی به خون تشنگی | فرشته سالار کریمی
نگاهی به جلد چهارم دفترهای زندان | پارسا شهری
نشست نقد و بررسی رنج تراژیک دانستن
درباره زندگی روی دور تند | محمدمعین شرفائی
چرا «۱۹۸۴» در ایران پرفروش است؟ | سمیه مهرگان
نشست نقد و بررسی پرده در خاک غریبه
پیرامون گذری به هند | مریم سیاه‌منصوری
بنده‌داری در عهد قاجار در گفت‌وگو با مرضیه مرتضوی
۱۸۰ سال از تاریخ حکمرانی قاجاریه
چاپ چهارم از وضعیت استثنایی آگامبن
شاه ۱۲۹۸ تهران، ۱۳۵۰ شیراز در گفت‌وگو با حنا سلطانی
شهریار ماکیاولی به چاپ نهم رسید
نگاهی به نقش و نگارهای گل‌اشرفی‌ها | نسیم خلیلی